

فراسوی استعمار بیرونی: تنش های درون‌جامعه‌ای و آگاهی زنانه در رمان شهروند

درجه‌دوازدهم اثر بوچی امه چه تا

1. یلدا منصوری 2. *زهرا بردباری 3. نگار شریف

1. دانشجوی دکتری تخصصی ادبیات انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، دانشکده زبانهای خارجی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، Yalda.mansouri6320@iau.ir، <https://orcid.org/0009-0003-1922-1954>

2. (نویسنده مسئول) استادیار، دکتری تخصصی ادبیات انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، دانشکده زبانهای خارجی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

ایمیل: bordbari@riau.ac.ir، <https://orcid.org/0000-0002-3507-2413>

3. استادیار، دکتری تخصصی ادبیات انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، دانشکده زبانهای خارجی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

ایمیل: neg.sharif@iau.ac.ir، <https://orcid.org/0000-0001-9983-6737>

چکیده:

رمان شهروند درجه‌دوازدهم¹ اثر بوچی امه‌چه‌تا² اغلب در چارچوب مفاهیمی چون تبعیض نژادی، مهاجرت و مناسبات استعمارگر/استعمارشده تحلیل شده است. هرچند این خوانش‌ها در تبیین زمینه‌های تاریخی و اجتماعی اثر اهمیت دارند، تمرکز صرف بر ساختارهای بیرونی ستم، بخش مهمی از تجربه زیسته زنانه را در حاشیه قرار می‌دهد. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی پسااستعماری شناختی نشان می‌دهد که رنج آدا، شخصیت اصلی رمان، نه تنها پیامد سلطه نژادی و شرایط مهاجرتی، بلکه حاصل بازتولید نابرابری در روابط روزمره، خانواده، ازدواج و شبکه‌های درون‌جامعه‌ای نیز هست. این مطالعه با بهره‌گیری از مفاهیمی چون هویت دسته‌ای، هویت عملی، حافظه عاطفی و موقعیت‌مندی در نظریه پاتریک کلم هوگان بررسی می‌کند که چگونه فشارهای اجتماعی و فرهنگی در سطح ادراک، احساس و واکنش‌های ذهنی شخصیت درونی می‌شوند و در شکل‌گیری آگاهی زنانه نقش می‌یابند. تحلیل رمان نشان می‌دهد که برجسته «شهروند درجه‌دوازدهم» نه فقط در مواجهه با ساختارهای استعماری جامعه میزبان، بلکه در مناسبات صمیمی، روابط خانوادگی و تعاملات درون‌گروهی نیز بازتولید می‌شود. در عین حال، مقاله با پرهیز از رویکرد قربانی‌محور، بر اشکال ظریف و تدریجی مقاومت آدا تمرکز دارد و نشان می‌دهد که آگاهی زنانه در این رمان از خلال انباشت تجربه‌های روزمره، بازاندیشی عاطفی و چانه‌زنی مداوم با ساختارهای قدرت شکل می‌گیرد. از این منظر، این پژوهش می‌کوشد با پیوند دادن نقد پسااستعماری و رویکردهای شناختی، امکان نوعی

1. *Second-Class Citizen*

2. Buchi Emecheta

3. Cognitive Postcolonial

خوانش پسااستعماری شناختی را مطرح کند که می‌تواند در مطالعه تجربه‌های ذهنی و عاطفی شخصیت‌ها در دیگر متون ادبی پسااستعماری نیز به کار گرفته شود.

واژگان کلیدی:

پسااستعماری شناختی¹، روایت‌شناسی شناختی، هویت عملی، هویت دسته‌ای، حافظه عاطفی، موقعیت مندی، شهروند درجه‌دو

مقدمه

رمان شهروند درجه‌دو اثر بوچی امه‌چمتا روایت تجربه زیسته‌ی زنی است که زندگی‌اش در تقاطع فشارهای جنسیتی، طبقاتی و استعماری شکل می‌گیرد. آداه²، شخصیت اصلی رمان، در مسیر خود با مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و داورهای روبه‌روست که اغلب در موقعیت‌های روزمره و به‌ظاهر عادی بروز می‌کنند. امه‌چمتا با تمرکز بر این تجربه‌های کوچک اما مداوم نشان می‌دهد که ستم چگونه نه تنها از طریق ساختارهای رسمی قدرت، بلکه در بطن روابط خانوادگی و اجتماعی نیز به‌تدریج در زندگی فردی نفوذ می‌کند.

برای درک تجربه آدا، ضروری است زمینه اجتماعی-تاریخی جامعه ایگبو روشن شود؛ جامعه‌ای که بسیاری از فشارهای اولیه زندگی او در آن ریشه دارد. در ساختار سنتی ایگبو، نظام خویشاوندی بر تبار پدری استوار بود و نقش‌های جنسیتی به‌گونه‌ای تعریف می‌شد که مردان دسترسی گسترده‌تری به قدرت سیاسی، ارث و منابع اقتصادی داشته باشند؛ در حالی که زنان، با وجود نقش اساسی در کشاورزی و تجارت محلی، از بسیاری از استعمار بریتانیا این نابرابری‌ها را (Ogbuehi 2020, 20–22) شکل‌های رسمی قدرت کنار گذاشته می‌شدند. تشدید کرد: نهادهای سیاسی زنان نادیده گرفته شد و آموزش دختران محدود گردید تا آنان در قالب «همسران و این میراث ساختاری، که در دوره پس از استعمار (Ogbuehi 2020, 31–32) مادران مناسب» تعریف شوند. نیز تداوم یافت، زمینه‌ای را شکل می‌دهد که آدا در برابر آن مقاومت می‌کند و تلاش او برای استقلال معنا می‌یابد.

بوچی امه‌چمتا، نویسنده‌ای نیجریه‌ای تبار که سال‌هایی از زندگی خود را در بریتانیا گذرانده است، در آثارش بازنمایی زنانی را دنبال می‌کند که در شرایط نابرابر، میان بقا، استقلال فردی و انتظارات اجتماعی دست‌وپنجه نرم

1. Adah

می‌کنند. در نگاه او، ستم، رویکردی تک‌بعدی ندارد؛ استعمار نه صرفاً یک ساختار بیرونی، بلکه منطقی درونی‌شونده است که در روابط خانوادگی، نقش‌های جنسیتی و هنجارهای اجتماعی بازتولید می‌شود. از این منظر، شهروند درجه‌دو بازتاب زندگی زنانی است که رنج آنان تنها محصول تبعیض نژادی نیست، بلکه در دل مناسبات «به‌ظاهر خودی» نیز تداوم پیدا می‌کند.

بخش قابل‌توجهی از خوانش‌های پسااستعماری این رمان بر تقابل میان استعمارگر سفید و سوژه استعمارشده تمرکز داشته‌اند. هرچند این تقابل برای فهم بستر اجتماعی رمان ضروری است، تمرکز صرف بر این تقابل می‌تواند ابعاد مهمی از تجربه زنانه آدا را در حاشیه قرار دهد. امچه‌تا نشان می‌دهد که جامعه سیاهپوست نیز، در نتیجه درونی‌شدن منطق استعمار و پدرسالاری¹، می‌تواند به فضایی تبدیل شود که زنان در آن با نظارت، سرزنش و کنترل مداوم روبه‌رو هستند؛ فشارهایی که به‌ویژه متوجه زنانی است که در پی تحصیل، استقلال و بازتعریف نقش خود هستند.

این مقاله با تمرکز بر پیامدهای ذهنی و عاطفی این فشارهای چندلایه، به بررسی فرآیند شکل‌گیری آگاهی زنانه² در شخصیت آدا می‌پردازد. در رمان، آگاهی زنانه فرآیندی تدریجی و پرهزینه است که از دل تجربه‌های روزمره، تعارض‌های درونی و تلاش مداوم برای حفظ کرامت فردی برمی‌آید. سازوکارهایی همچون حافظه عاطفی – که تجربه‌های گذشته را در هیجان‌ات کنونی رسوب می‌دهد – و موقعیت‌مندی – که جایگاه اجتماعی، جنسیتی و طبقاتی فرد را در هر تعامل بازتعریف می‌کند – نقشی اساسی در جهت‌دهی به قضاوت‌ها و واکنش‌های آدا دارند. از این رو، امچه‌تا آدا را نه نمادی انتزاعی، بلکه انسانی درگیر با رنج، تردید و مقاومت ترسیم می‌کند و خواننده را به مواجهه‌ای همدلانه با معنای زیسته «شهروند درجه‌دو» فرامی‌خواند.

پژوهش حاضر استدلال می‌کند که تجربه حاشیه‌نشینی³ آدا را نمی‌توان صرفاً به تبعیض نژادی بیرونی در جامعه بریتانیا تقلیل داد. امچه‌تا نشان می‌دهد فشارهای اصلی بر آدا اغلب در سطح زندگی روزمره و در تعامل با «خودی‌ها» شکل می‌گیرند: خانواده، هموطنان، زنان دیگر و روابط زناشویی. این فشارها الزاماً به معنای دشمنی آگاهانه نیستند؛ بلکه بازتابی از مردسالاری، تمایزات طبقاتی و درونی‌شدن منطق استعمار در روابط درون‌گروهی⁴ اند. با تکیه بر رویکرد پسااستعماری-شناختی، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آگاهی زنانه در این رمان چگونه به‌عنوان فرآیندی تدریجی، تجربه‌محور و انسانی شکل می‌گیرد. بسیاری از مطالعات پیشین بر شکل‌های آشکار سلطه تمرکز داشته‌اند و کمتر به فشارهای پنهان و روزمره‌ای پرداخته‌اند که در دل روابط خانوادگی و

2. Patriarchal

1. Female (women's) consciousness

2. Marginalization

3. Intra-group / intra-community

اجتماعی بر زنان تحمیل می‌شود. این پژوهش از همین نقطه آغاز می‌کند تا این لایه‌های کمتر دیده‌شده را آشکار سازد.

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که فشارهای درون‌گروهی و روزمره - به‌ویژه در روابط خانوادگی، زناشویی و تعاملات میان «خودی‌ها» - چگونه در جامعه استعمارزدهٔ رمان شهروند درجه‌ی بازتولید می‌شوند و این فشارها از طریق چه سازوکارهای شناختی-عاطفی‌ای تجربه و درونی می‌گردند. این مطالعه با تکیه بر مفاهیمی چون هویت دسته‌ای، هویت عملی، حافظهٔ عاطفی و موقعیت‌مندی نشان می‌دهد که سلطه در این رمان تنها به ساختارهای استعماری بیرونی محدود نمی‌ماند، بلکه در لایه‌های ذهنی و عاطفی شخصیت اصلی نیز جاری می‌شود و در شکل‌گیری آگاهی زنانه آدا نقش دارد. از این منظر، پژوهش حاضر با پیوند دادن نقد پسااستعماری و رویکرد شناختی، مدلی تحلیلی برای فهم درونی‌شدن سلطه در ادبیات پسااستعماری ارائه می‌دهد و بدین‌سان چشم‌اندازی تازه برای مطالعهٔ تجربهٔ زیستهٔ شخصیت‌های زن در متن‌های استعمارزده فراهم می‌آورد.

پیشینه پژوهش

رمان شهروند درجه‌ی از زمان انتشار، در چارچوب رویکردهای پسااستعماری، فمینیستی و اجتماعی مورد توجه منتقدان و پژوهشگران قرار گرفته است. بخش عمده‌ای از این پژوهش‌ها بر تجربه‌ی تبعیض نژادی، مهاجرت و موقعیت حاشیه‌ای شخصیت اصلی در جامعه‌ی بریتانیا تمرکز دارند و آدا را عمدتاً در تقابل با ساختارهای سلطه‌ی سفیدپوستان تحلیل می‌کنند. اگرچه این مطالعات زمینه اجتماعی و تاریخی روایت را روشن می‌کنند، اما تأکید یک سویه بر دوگانه‌ی «سفید/سیاه»، سبب شده است بخش مهمی از فشارهای درون جامعه‌ی خانوادگی و روابط به ظاهر «خودی» نادیده بماند؛ فشارهایی که در تجربه زیسته آدا سهمی اساسی دارند.

در همین راستا، ماری اومه در مقاله «زنان آفریقایی در گذار در رمان‌های بوچی امچه‌تا» تجربه‌های گذار زنان آفریقایی را بررسی کرده و بر مذاکرات روانی، اجتماعی و فرهنگی آنان در جوامع پسااستعماری تأکید دارد. او نشان می‌دهد که قهرمانان امچه‌تا صرفاً تحت سلطه ساختارهای پدرسالارانه و استعماری نیستند، بلکه فعالانه می‌کوشند هویت خود را در میان واقعیت‌های متغیر جامعه بازتعریف کنند (Umeh 1980, 190-201). امتیاز اصلی این رویکرد، برجسته‌سازی عاملیت و مقاومت زنانه است؛ با این حال، اومه در تبیین «فرسایش تدریجی» ناشی از فشارهای روزمره و درون‌خانوادگی کمتر به لایه‌های عاطفی و روزمره این تجربه‌ها می‌پردازد.

ام. جی. دیاموند در مقاله «بوچی امچه‌تا، خنده و سکوت: تغییر در مفاهیم «زن»، «همسر» و «مادر»» بر نقش خنده و سکوت در رمان‌های امچه‌تا تمرکز می‌کند و نشان می‌دهد که این مفاهیم چگونه تجربه‌ها و مبارزات زنان در چارچوب نقش‌های جنسیتی سنتی را بازتاب می‌دهند و کلیشه‌های رایج را به چالش می‌کشند. او همچنین به نقش مخاطب و سازوکارهای نشر در شکل‌گیری تولید ادبی امچه‌تا اشاره می‌کند و سکوت را نه امری تحمیلی، بلکه کنشی انتخابی و ابزاری مقاومتی در برابر زبان مردسالار می‌داند. با وجود این، تحلیل دیاموند به «هزینه‌ی روانی» این سکوت کمتر می‌پردازد و فرسایش تدریجی و احساساتی‌چون شرم، تحقیر و خستگی که ممکن است در پس این انتخاب شکل بگیرند، در پژوهش او کمتر برجسته شده‌اند.

نانسی تو-پینگ بازین در مقاله «چشم‌اندازهای فمینیستی در داستان آفریقایی: بسی هد و بوچی امه‌چمتا» با اتکاء به چهار رویکرد فمینیستی، تجربه زنان سیاه‌پوست آفریقایی را در ساختارهای مردسالار تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که سرکوب زنان صرفاً فردی نیست، بلکه در ریشه‌های اجتماعی و پدرسالارانه قرار دارد. نکته آنکه، تمرکز او عمدتاً جامعه‌شناختی است و به ابعاد عاطفی و بدنی سلطه—نظیر خستگی انباشته، فشار روانی و تنش‌های ناشی از انتظارات جنسیتی—کمتر پرداخته می‌شود. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد شناختی هوگان در پی پرکردن همین خلأ است و نشان می‌دهد که این فشارها چگونه در سطح تجربه زیسته و عاطفی درونی می‌شوند.

دونالد هاراوی در مقاله «خواندن بوچی امه‌چمتا: مبارزات بر سر تجربه زنان در مطالعات زنان» مفهوم «تجربه زنان» را در بستر فمینیسم و پسااستعمار واکاوی می‌کند و نشان می‌دهد که تجربه نه امری خنثی، بلکه موقعیت‌مند و گفتمانی است. او با اشاره به امکان «خطا در خوانش» و خطر تبدیل خوانش‌های فمینیستی به نوعی «توریسم روح»¹—یعنی تصاحب تجربه دیگری بدون توجه به زمینه‌های تاریخی و فرهنگی—بر ضرورت توجه به جایگاه تولید خوانش تأکید می‌کند. (Haraway 1988, 240) به رغم این نکته، تمرکز هاراوی بر سطح گفتمانی باقی می‌ماند و پیچیدگی‌های عاطفی و درون‌اجتماعی تجربه را تبیین نمی‌کند؛ خلأی که پژوهش حاضر با اتکا به چارچوب شناختی-پسااستعماری و مفاهیمی چون «حافظه عاطفی» و «موقعیت‌مندی» در پی پرکردن آن است.

در همین زمینه، گوماتام موهانا چاریولو در مقاله «زنان و مادرانگی: مطالعه‌ای بر رمان شهروند درجه‌دو بوچی امه‌چمتا» بر مسئله زنان و مادرانگی در جامعه پسااستعماری تمرکز می‌کند و تجربه آدا را در پیوند با سیاه‌پوست‌بودن در جامعه‌ای عمدتاً سفیدپوست تحلیل می‌کند. (Charyulu 2016, 229) چاریولو مادرانگی را صرفاً امری شخصی نمی‌داند و آن را با ساختارهای استعمار و نژادپرستی پیوند می‌دهد، که نقطه قوت تحلیل اوست. با وجود این دیدگاه انتقادی، تمرکز او عمدتاً بر جنبه‌های اجتماعی مادرانگی است و به «هزینه‌های بدنی و روانی» آن کمتر توجه می‌کند. پژوهش حاضر با افزودن بخشی مستقل درباره «بدن، مادری و فرسودگی روزمره» و با بهره‌گیری از مفاهیم هوگان—از جمله «هویت عملی» و «حافظه عاطفی»—در صدد برطرف کردن این خلأ است. در کنار پژوهش‌هایی که مستقیماً به آثار امه‌چمتا می‌پردازند، برخی مطالعات در حوزه نقد ادبی و مطالعات فرهنگی نیز چارچوب‌های مفیدی برای فهم لایه‌های عاطفی و اجتماعی تجربه زنان فراهم کرده‌اند. برای نمونه، بهمن‌پور در خوانش رمان «دریای پهناور سارگاسو» نشان می‌دهد که تجربه زیسته زنان اغلب در پیوند با زخم‌های عاطفی اولیه، فقدان حمایت خانوادگی و فشارهای اجتماعی شکل می‌گیرد؛ رویکردی که با برجسته‌سازی ابعاد عاطفی و روابط نزدیک، امکان فهم لایه‌های درونی تجربه شخصیت‌هایی چون آدا را فراهم می‌کند.

در همین راستا، نژادمحمد و جباری خمنه‌ای با تأکید بر نقش حافظه در شکل‌گیری هویت ادبی استدلال می‌کنند که هویت فردی در تعامل میان خاطرات گذشته و شرایط حال ساخته می‌شود؛ از این رو واکنش شخصیت‌ها به فشارهای اجتماعی را باید در پیوند با تجربه‌های پیشین و زمینه‌های فرهنگی شکل‌دهنده به حافظه نیز در نظر گرفت. همچنین

دیویس در تحلیل بازنمایی فقر در ادبیات معاصر نشان می‌دهد که فقر صرفاً یک وضعیت اقتصادی نیست، بلکه تجربه‌ای اجتماعی و گفتمانی است که در نگاه و داوری دیگران نسبت به فرد بازتولید می‌شود.

نکته مشترک این پژوهش‌ها توجه به ابعاد عاطفی و روزمره تجربه زنان است؛ به رغم این نکته، هر یک در چارچوب نظری خاصی حرکت می‌کنند—بهمن‌پور در روانکاوی، نژادمحمد و جباری خمنه‌ای در پدیدارشناسی حافظه، و دیویس در جامعه‌شناسی و تحلیل گفتمان—و کمتر به سازوکار «درونی‌شدن» فشارهای روزمره در تجربه شخصیت‌ها می‌پردازند.

در اینجا رویکرد پسااستعماری شناختی پاتریک کلم هوگان می‌تواند چشم‌انداز تحلیلی تازه‌ای فراهم کند. مفاهیمی چون «هویت دسته‌ای» و «هویت عملی» نشان می‌دهند که برجسب‌های اجتماعی و انتظارات رفتاری چگونه درونی می‌شوند، درحالی‌که «حافظه عاطفی» و «موقعیت‌مندی» توضیح می‌دهند که احساسات و واکنش‌های شخصیت‌ها چگونه از فعال‌شدن خاطرات حسی و از قرارگرفتن در بستر شرایط تاریخی و اجتماعی خاص شکل می‌گیرند. بهره‌گیری از این چارچوب امکان آن را فراهم می‌کند که فشارهای درون‌جامعه‌ای در زندگی آدا نه فقط به‌عنوان پدیده‌هایی اجتماعی، بلکه به‌مثابه تجربه‌هایی ذهنی و عاطفی تحلیل شوند.

چارچوب نظری و روش پژوهش

این پژوهش رمان شهروند درجه‌و را فراتر از روایتی صرف درباره استعمار، مهاجرت و تبعیض می‌خواند و بر چگونگی رسوب‌کردن فشارهای اجتماعی در تجربه روزمره و تبدیل‌شدن آنها به لایه‌های درونی ذهن و احساس تأکید دارد. منظور از «فراسوی استعمار» در این مقاله نفی نژادپرستی یا ستم‌های ساختاری نیست؛ بلکه نشان‌دادن این نکته است که پیامدهای استعمار و مردسالاری تنها در سطح ساختارها و سیاست نمایان نمی‌شوند، بلکه در روابط عادی، نگاه‌های روزمره و داوری‌های به‌ظاهر معمول نیز بازتولید می‌گردند. بر همین اساس، چارچوب نظری پژوهش بر رویکرد پسااستعماری شناختی پاتریک کلم هوگان استوار است تا نشان دهد رخدادهای کوچک روزمره چگونه در شکل‌گیری ذهنیت، احساس و هویت آدا نقش دارند.

در نگاه هوگان، تجربه فرد همواره در پیوند با الگوهای اجتماعی معنا می‌یابد؛ افراد نه‌فقط رخدادهای، بلکه «تفسیر» آن رخدادهای را نیز از طریق دسته‌بندی‌ها و انتظاراتی می‌آموزند که محیط اجتماعی در اختیارشان قرار می‌دهد. برای پرهیز از کلی‌گویی و حفظ اتکای تحلیل بر متن، این پژوهش بر دو مفهوم اصلی از نظریه هوگان تمرکز می‌کند: «هویت دسته‌ای»¹ و «هویت عملی»².

«هویت دسته‌ای» به آن بخش از خودادراکی اشاره دارد که از برجسب‌ها و مرزبندی‌های اجتماعی شکل می‌گیرد (Hogan 2015, 335)؛ برجسب‌هایی نظیر «مادام/خدمتکار»، «تحصیل‌کرده/بی‌سواد» یا طبقه‌بندی‌های قومی و طبقاتی. اهمیت این مفهوم در آن است که این برجسب‌ها صرفاً واژه نیستند، بلکه بار احساسی حمل می‌کنند

1. Categorical Identity
2. Practical Identity

و در موقعیت‌های روزمره واکنش می‌سازند (Hogan 2003, 2). این مفهوم در پژوهش حاضر توضیح می‌دهد که چرا حتی میان «خودی‌ها» نیز مرزبندی و بیگانگی شکل می‌گیرد و چرا تجربه مشترک مهاجرت همیشه به همبستگی منجر نمی‌شود.

در کنار آن، «هویت عملی» به الگوهای رفتار و انتظارات روزمره اشاره دارد: اینکه در یک جامعه از «زن بودن» چه رفتارهایی طبیعی تلقی می‌شود، کدام انتخاب‌ها پذیرفتنی‌اند و چه چیزها نیازمند توجیه هستند. این مفهوم نشان می‌دهد که فشار اجتماعی تنها در قالب منع مستقیم عمل نمی‌کند؛ بلکه در توصیه‌های خیرخواهانه، قضاوت‌های اخلاقی، نگاه‌هایی که استقلال زنانه را «نامعمول» جلوه می‌دهند یا انتظارهای تکرارشونده‌ای که زن را به نقش‌های ازپیش‌تعیین‌شده بازمی‌گردانند نیز عمل می‌کند. به بیان دیگر، اگر هویت دسته‌ای درباره «برچسب‌ها و جایگاه‌ها»ست، هویت عملی درباره «بایدها و نبایدهای روزمره» است (Hogan 2000, 332).

در ادامه، لایه احساسی تجربه از طریق مفهوم «حافظه عاطفی»¹ تحلیل می‌شود. پاتریک گلم هوگان حافظه عاطفی را نوعی حافظه ضمنی می‌داند که تجربه‌های پیشین همراه با بار هیجانی را ذخیره می‌کند و با فعال‌شدن، هیجان مرتبط با آن تجربه‌ها را دوباره برمی‌انگیزد، حتی در شرایطی که فرد خاطره اپیزودیک رویداد را به‌طور آگاهانه به یاد نمی‌آورد. (Hogan 2011, 51) از این منظر، تجربه‌های روزمره صرفاً در سطح شناختی باقی نمی‌مانند، بلکه در لایه‌های عاطفی ذهن رسوب می‌کنند و در مواجهه با موقعیت‌های مشابه، ادراک و واکنش فرد را شکل می‌دهند. بدین ترتیب، واکنش‌های آدا در زمان نه صرفاً حاصل ارزیابی عقلانی موقعیت‌ها، بلکه نتیجه فعال‌شدن حافظه‌های عاطفی مرتبط با تجربه‌های پیشین است.

در نهایت، مفهوم «موقعیت‌مندی»² بر این نکته تأکید دارد که ذهن و هویت فرد همواره در بستر شرایط مادی، تاریخی و اجتماعی مشخص شکل می‌گیرند (Hogan 2015, 331). از این منظر، تجربه آدا در نیجریه و بریتانیا نه‌تنها از نظر جغرافیایی متفاوت است، بلکه دو وضعیت شناختی و عاطفی متمایز را رقم می‌زند که هرکدام فشارهای خاص خود را فعال می‌کنند. استفاده از این مفهوم امکان تحلیل دقیق‌تر تفاوت این دو فضا و نقش آنها در شکل‌دهی به تجربه و ذهنیت آدا را فراهم می‌سازد.

در مجموع، به‌کارگیری مفاهیم «هویت دسته‌ای»، «هویت عملی»، «حافظه عاطفی» و «موقعیت‌مندی» در چارچوب پسااستعماری شناختی هوگان امکان می‌دهد تا زمان شهروند درجه‌ی نه‌تنها در سطح روایت‌های کلان استعمار و مهاجرت، بلکه در سطح ظریف و کمتر دیده‌شده تجربه‌های روزمره آدا تحلیل شود. این پژوهش با رویکردی کیفی و مبتنی بر خوانش تفسیری متن انجام می‌شود و در آن رخدادها، تعامل‌ها و واکنش‌های شخصیت آدا در پرتو مفاهیم یادشده بررسی می‌شوند و نشان می‌دهد که چگونه برچسب‌گذاری‌های اجتماعی، انتظارهای جنسیتی، حافظه‌های دردناک و موقعیت‌های نابرابر به‌تدریج درونی می‌شوند و بر شیوه دیدن، احساس‌کردن و

1. Emotional Memory

2. Situatedness

تصمیم‌گرفتن شخصیت اثر می‌گذارند. چنین چارچوبی تحلیل حاضر را از تفسیرهای صرفاً توصیفی فراتر می‌برد و امکان می‌دهد مکانیزم‌های عاطفی و شناختی بازتولید سلطه در بطن زندگی عادی آشکار شود.

آغاز نابرابری جنسیتی در کودکی آدا

رمان شهروند درجه‌بندی‌شده با کودکی آدا آغاز می‌شود؛ کودکی‌ای که در آن تولد او با انتظار همراه نیست، زیرا «دختر بودن» از پیش معنایی کم‌ارزش‌تر به حضورش می‌دهد. (Emecheta 1974, 1) بدین ترتیب، تبعیض جنسیتی از نخستین لحظات روایت برجسته می‌شود و آدا در فضایی رشد می‌کند که محبت و توجه اموری مشروط اند، نه بدیهی. این بی‌اعتنایی نه ناشی از خصومت فردی، بلکه ریشه‌دار در سنت‌هایی است که ارزش عاطفی کودک را بر اساس جنسیت تعریف می‌کنند و از همان آغاز تجربه‌ی زیسته‌ی آدا را شکل می‌دهند.

همه چیز مانند یک رؤیا آغاز شده بود؛ از همان نوع رؤیایی که گویی از ناکجا سربرمی‌آورد، اما آدم همیشه از وجودش آگاه است. می‌توان آن را حس کرد؛ می‌تواند مسیر زندگی را هدایت کند. ابتدا ناگهان - تا آن‌که کم‌کم واقعی شود و بدل به حضور گردد. آدا دقیقاً نمی‌دانست چه چیزی این رؤیا را در او پدید آورد یا از کی شروع شد؛ اما نخستین نشانه‌ای که می‌توانست در این سیالی نامعلوم به آن چنگ بزند، به زمانی باز می‌گشت که حدود هشت‌ساله بود. حتی مطمئن نبود واقعاً هشت‌سال داشته، چون او یک دختر بود؛ دختری که در زمانی پا به دنیا گذاشت که همه انتظار تولد یک پسر را داشتند. بنابراین، چون حضورش برای پدر و مادر، خانواده‌ی نزدیک و حتی قبیله‌اش مایه‌ی ناامیدی بود، هیچ‌کس به فکر ثبت تولد او نیفتاد. او آن قدر بی‌اهمیت بود. (Emecheta 1974, 7)

چنین موقعیتی با برخی تحلیل‌های فمینیستی درباره‌ی اجتماعی‌شدن جنسیتی همخوان است. برای نمونه، سیمون دوبووار در بحث مشهور خود یادآور می‌شود که دختر «زن به دنیا نمی‌آید، بلکه زن می‌شود»؛ فرایندی که از خلال ارزش‌گذاری‌های اجتماعی و انتظارات فرهنگی شکل می‌گیرد. (de Beauvoir 2011, 330-331) از این منظر، بی‌اهمیتی تولد آدا صرفاً یک رویداد روایی نیست، بلکه نخستین گام در فرآیند اجتماعی‌شدن جنسیتی او به شمار می‌آید.

در ادامه، تنها لحظه‌ای که آدا اندکی مورد توجه قرار می‌گیرد زمانی است که مادر برایش لباسی می‌دوزد—لباسی که او آن را «لباس مراسم ورود وکیل» می‌نامد (Emecheta 1974, 8). اما این توجه نیز نه از پیوند عاطفی مادر-فرزند، بلکه از پیوند با یک رویداد اجتماعی ناشی می‌شود و نشان می‌دهد که ارزش آدا همچنان در نسبت با نگاه جمعی تعریف می‌شود.

در چارچوب روان‌شناختی - شناختی پاتریک گلم هوگان، چنین تجربه‌هایی—یعنی فقدان پذیرش عاطفی و اولویت‌یافتن ارزش‌های بیرونی—به الگوهای پایدار خودادراکی تبدیل می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که کودک می‌آموزد ارزش خود را بر اساس قضاوت دیگران ارزیابی کند. از همین رو، آدا حتی پیش از مواجهه با طردهای آشکارتر،

جهان را از منظر کم‌ارزشی تجربه می‌کند. این نابرابری در زمینه‌ی آموزش نیز ادامه می‌یابد. در ایبوزا تحصیل برای پسران اولویت دارد و خانواده با تردید به ضرورت آموزش آدا می‌نگرد، زیرا آینده‌ی خانواده را وابسته به پسران می‌داند (Emecheta 1974, 16). پس از مرگ پدر، این وضعیت دشوارتر می‌شود. با این حال، تحصیل برای آدا راهی برای عبور از محدودیت‌هاست؛ رؤیایی که حتی ازدواج زود هنگام نیز نمی‌تواند آن را خاموش کند. اما او به‌تدریج درمی‌یابد که در جامعه‌ی مردسالار اختیارش محدود است و حتی بر زندگی و دارایی خود نیز کنترل چندانی ندارد (Emecheta 1974, 22).

از این‌رو، تجربه‌های آغازین زندگی آدا صرفاً مجموعه‌ای از رخدادهای پراکنده نیستند، بلکه زمینه‌ای برای شکل‌گیری حساسیت او نسبت به قضاوت دیگران فراهم می‌کنند؛ حساسیتی که در ادامه‌ی روایت، به صورت فشارهای اجتماعی و فرهنگی بر تجربه‌ی زنانه‌ی او تأثیر می‌گذارد.

حافظه عاطفی و درونی شدن رنج در آدا

حافظه عاطفی در تجربه آدا نشان می‌دهد که گذشته در این رمان صرفاً به صورت خاطره‌ای ذهنی باز نمی‌گردد، بلکه به شکل واکنش‌های احساسی و بدنی در لحظه حال فعال می‌شود. امچه‌تا از رویدادهای ظاهراً عادی برای نمایش سازوکار بازگشت تروما بهره می‌گیرد؛ جایی که محرک‌های روزمره به‌طور ناخواسته احساسات مرتبط با تجربه‌های دردناک گذشته را فعال می‌کنند. نمونه روشن این وضعیت صحنه‌ای است که کوبیده‌شدن ناگهانی در، برای آدا صرفاً یک رویداد معمولی نیست، بلکه محرکی است که تدفین پدر را در ذهن او تداعی کرده و رنج گذشته را با اضطراب اکنون در هم می‌آمیزد (Emecheta 1974, 28). این فرآیند را می‌توان در پرتو مفهوم «حافظه عاطفی» در نظریه پاتریک گلم هوگان توضیح داد. از نظر هوگان، حافظه عاطفی نوعی حافظه ضمنی است که با فعال‌شدن، هیجان مرتبط با یک تجربه پیشین را دوباره برمی‌انگیزد، حتی در شرایطی که فرد خاطره اپیزودیک آن رویداد را به‌طور آگاهانه به یاد نمی‌آورد (Hogan 2011, 51). واکنش جسمانی آدا، به‌ویژه توصیف «بازوی بی‌احساس»، نشان می‌دهد که این تروما تنها در ذهن او رسوب نکرده، بلکه در بدن نیز تثبیت شده است. این تجربه با تحلیل فرانتس فانون نیز هم‌خوان است؛ فانون در کتاب *پوست سیاه و صورت‌تکهای سفید*، فرایند «اپیدرمالیزاسیون¹» را توضیح می‌دهد، یعنی درونی‌شدن سلسله‌مراتب استعماری در روان و بدن، به‌گونه‌ای که اثر سلطه حتی در غیاب عامل بیرونی نیز در احساسات و واکنش‌های جسمانی فرد بازتولید می‌شود (Fanon 1986, 13). اگرچه صحنه مورد بحث در چارچوب خانوادگی رخ می‌دهد، اما در پس‌زمینه ساختار استعماری گسترده‌تری قرار دارد که پیش‌تر احساس نامنی، فقدان و آسیب‌پذیری را در وجود آدا نهادینه کرده است. بدین‌سان، بدن آدا به عرصه‌ای بدل می‌شود که در آن خاطره، رنج و نابرابری‌های ساختاری در هم تنیده‌اند و هر محرک تازه می‌تواند این حافظه عاطفی نهفته را دوباره فعال کند.

موقعیت‌مندی و بازفهمی سنت در تجربه آدا

مفهوم موقعیت‌مندی در نظریه شناختی پاتریک کلم هوگان بر این نکته تأکید دارد که شناخت و هویت فردی در خلأ شکل نمی‌گیرند، بلکه در بستر شرایط مادی، تاریخی و اجتماعی خاص ساخته و بازساخته می‌شوند. در رمان شهروند درجه‌و، ادراک آدا از جهان پیرامونش به‌طور مستقیم تحت تأثیر تجربه مهاجرت، مواجهه با مدرنیته بریتانیایی و فشارهای نژادی و اقتصادی قرار دارد؛ از همین رو، بسیاری از باورها و سنت‌هایی که در دوران کودکی برای او بدیهی بودند، در موقعیتی تازه دچار بازتفسیر می‌شوند. برای نمونه، هنگامی که آدا به یاد تابوها و خرافات جامعه ایگبوی غربی می‌افتد، روایت نشان می‌دهد که او اکنون با فاصله‌ای انتقادی به آن‌ها می‌نگرد: «به یاد آوردن همه آن تابوها و خرافات ایگبوی غربی نیجریه، آدا را واداشت که در دل به آن‌ها بخندد؛ او با آن‌ها بزرگ شده بود و بخشی از وجودش بودند، اما اکنون فکر کردن به آن‌ها برایش مایه خنده بود» (Emecheta 1974, 14). این خنده نه نشانه نفی کامل سنت، بلکه بیانگر فاصله شناختی‌ای است که از تغییر موقعیت اجتماعی و تاریخی آدا ناشی می‌شود. در بخش دیگری از روایت نیز زمانی که آدا در کودکی پس از مرگ پدرش به خانه برادر بزرگ مادرش فرستاده می‌شود و به‌عنوان نیروی کار در خانه به کار گرفته می‌شود، نشان داده می‌شود که او بسیار زود «مفید بودن» را به‌عنوان شرط بقا می‌آموزد و حتی فرصتی برای اندیشیدن به درستی یا نادرستی این وضعیت نمی‌یابد (Emecheta 1974, 17). این تجربه‌ها نشان می‌دهند که ادراک آدا از خود و جهان پیرامونش همواره در تعامل با شرایط اجتماعی و تاریخی شکل می‌گیرد.

از منظر هوگان، چنین جابه‌جایی‌ای بیانگر بازتنظیم طرحواره‌های شناختی در پاسخ به تغییر بافت موقعیتی است؛ ذهن شخصیت در تعامل با ساختارهای قدرت، اقتصاد و جنسیت، چارچوب‌های ادراکی خود را تعدیل می‌کند. با این حال، اهمیت این بازتنظیم تنها در سطح شخصیت باقی نمی‌ماند. بازنمایی روایی این فرآیند، همان‌گونه که سوزان کین در مقدمه کتاب *همدلی و رمان* تبیین می‌کند، می‌تواند خواننده را در معرض تجربه‌های عاطفی و شناختی تازه قرار دهد و امکان درک موقعیت‌های اجتماعی بیگانه را فراهم آورد (Keen 2007, xii). کین در فصل سوم همین کتاب نیز نشان می‌دهد که دسترسی روایی به افکار، احساسات و منظر درونی شخصیت‌ها، سازوکاری کلیدی در برانگیختن همدلی روایی و مشارکت شناختی خواننده است (Keen 2007, 65-66).

در این رمان، نمایش تدریجی شکاف میان سنت و مدرنیته در ذهن آدا نه‌فقط تحول درونی او را آشکار می‌کند، بلکه خواننده را نیز در فرایند بازاندیشی نسبت به طبیعی‌انگاری‌های فرهنگی مشارکت می‌دهد. بدین ترتیب، پیوند میان موقعیت‌مندی (هوگان) و همدلی روایی (کین) نشان می‌دهد که متن چگونه هم‌زمان در دو سطح عمل می‌کند: نخست، سطح درونی‌سازی و بازسازی ادراک در سوژه پسااستعماری؛ و دوم، سطح اخلاقی خوانش، که در آن خواننده به تجربه زیسته این جابه‌جایی‌های شناختی نزدیک می‌شود. چنین خوانشی نشان می‌دهد که استعمار نه‌تنها ساختارهای بیرونی، بلکه افق‌های ادراکی و عاطفی را نیز شکل می‌دهد— و ادبیات، از طریق پیوند میان موقعیت‌مندی شخصیت و همدلی روایی خواننده، می‌تواند این فرایند را هم در ذهن شخصیت و هم در تجربه خواننده آشکار سازد. از این منظر، رویکرد شناختی پسااستعماری نه فقط به تحلیل متن، بلکه به درک چگونگی شکل‌گیری سوژه پسااستعماری و امکان بازاندیشی اخلاقی در خواننده یاری می‌رساند.

فشارهای درون‌جامعه‌ای و تجربه‌ی روزمره‌ی زنانه

نابرابری‌هایی که آدا از نخستین سال‌های زندگی تجربه می‌کند، با بزرگتر شدن از میان نمی‌روند؛ بلکه شکل عوض می‌کنند و در سطح روابط روزمره بازتولید می‌شوند. امه‌چتا نشان می‌دهد که رنج آدا همیشه محصول یک نیروی بیرونی آشکار نیست؛ گاهی فشار دقیقاً از همان جایی می‌آید که باید آرامش بدهد: از خانواده، هموطنان و "مناسبات خودی". همین جابه‌جایی منبع فشار است که تجربه‌ی آدا را انسانی‌تر و در عین حال پیچیده‌تر می‌کند، زیرا او به‌تدریج درمی‌یابد که امنیت و تعلق، همیشه هم‌معنای حمایت نیست.

در بسیاری از موقعیت‌ها، آدا نه به‌عنوان فردی با آرزوها و حق انتخاب، بلکه در قالب نقش‌ها و جایگاه‌های از پیش تعریف‌شده دیده می‌شود. میل او به تحصیل، کار و پیشرفت-که از کودکی به‌صورت رؤیا شکل گرفته-در زندگی روزمره با مقاومت‌های ظریف اما مداوم روبه‌روست؛ مقاومت‌هایی که معمولاً در قالب جمله‌های کوتاه، نگاه‌های سنجش‌گر یا مرزبندی‌های به‌ظاهر عادی عمل می‌کنند. یکی از روشن‌ترین نمونه‌ها، صحنه‌ی ورود آدا به خانه‌ی جدید در لندن است. او در میان خوشامدگویی همسایه‌ها ناگهان وحشت می‌کند، زیرا درمی‌یابد باید خانه را با نیجریه‌ای‌هایی شریک شود که در وطن او را "مادام" خطاب می‌کردند. (Emecheta 1974, 35) این وحشت صرفاً واکنشی به تنگی خانه یا فقر محله نیست؛ آدا احساس می‌کند جایگاهی که با تحصیل و تلاش برای خود ساخته بود، ناگهان به خطر افتاده است.

عصر همان روز، سایر مستأجران از کارخانه‌هایی که در آن کار می‌کردند بازگشتند. همگی برای خوش‌آمدگویی نزد او آمدند. سپس، با وحشتی عمیق، دریافت که باید خانه را با آن نیجریه‌ای‌هایی شریک شود که در وطن او را مادام خطاب می‌کردند؛ برخی از آنان همان میزبان سواد داشتند که خدمتکاران حقوق‌بگیرش می‌دانست که کودکی سختی داشته است، اما در نیجریه، تمایزات طبقاتی تازه داشت شکل می‌گرفت. در دل ناله کرد: او، فرانسویس، چطور توانستی چنین کاری با ما بکنی؟ ما دوستانی داریم که حتی در چنین زاغه‌هایی نیز باز هم جدا از این دسته از مردم زندگی می‌کنند. (Emecheta 1974, 35)

در این لحظه، آنچه فعال می‌شود فقط یک احساس گذرا نیست، بلکه نوعی دست‌بندی درونی شده است: آدا ناخواسته موقعیت را از دریچه‌ی برجسب‌هایی می‌بیند که پیش‌تر در نیجریه معنای منزلتی داشتند. به تعبیر پاتریک کلم هوگان، "هویت دسته‌ای" زمانی شکل می‌گیرد که برجسب‌های اجتماعی کلی—مانند "مادام/خدمتکار"، "بالادست/فرو دست" یا "تحصیل‌کرده/بی‌سواد" در خودادراکی فرد جا می‌افتند و در موقعیت‌های مشخص، ادراک و رفتار او را هدایت می‌کنند. (Hogan 2015, 335) چنین برجسب‌هایی، آن‌گونه که هومی بابا نشان می‌دهد، در قالب «کلیشه‌ها» عمل می‌کنند و در وضعیت جابه‌جایی، کلیشه‌ها بازتولید می‌شوند،

بلکه به فناوری‌ای گفتمانی برای تثبیت تفاوت و مدیریت اضطراب ناشی از امر ناهمگون بدل می‌گردد؛ سازوکاری که روابط مهاجران را در چارچوبی سلسله‌مراتبی، تکرار شونده و به ظاهر طبیعی سازمان می‌دهد. (Bhabha, 1994, 94-95) بنابراین فشار درون‌جامعه‌ای در این صحنه نه از طریق منع مستقیم، بلکه از راه یادآوری مداوم مرزها عمل می‌کند: اینکه چه کسی کنار چه کسی می‌ایستد و چه کسی با چه کسی یکی شمرده می‌شود.

آنچه این فشارها را فرساینده می‌کند، عادی‌بودن و تکرار شدن آنهاست. بسیاری از رفتارها خشونت آشکار ندارند، اما از خلال تکرار، زندگی روزمره را به میدان سنجش و کنترل بدل می‌کنند و آدا را وامی‌دارند. پیشاپیش واکنش دیگران را حدس بزند. این تنش زمانی پررنگ‌تر می‌شود که فرانسیس، به‌عنوان شوهر آدا، به او یادآوری می‌کند که جایگاه اجتماعی آنها در انگلستان تغییر کرده است. فرانسیس با لحنی واقع‌گرایانه اما آمرانه تأکید می‌کند که آنها در این جامعه "شهروند درجه‌دو" محسوب می‌شوند و باید متناسب با این موقعیت زندگی کنند. (Emecheta 1974, 36) اهمیت این جمله در آن است که برچسب "شهروند درجه‌دو" نه از سوی جامعه‌ی میزبان، بلکه از درون پیوند زناشویی به آدا منتقل می‌شود. در اینجا، فشار اجتماعی با اقتدار مردانه گره می‌خورد و به ابزاری برای محدود کردن اعتراض، خواست و انتخاب زن بدل می‌شود. به این ترتیب، تجربه‌ی آدا نشان می‌دهد که منطق استعمار می‌تواند در روابط صمیمی نیز بازتولید شود و از خلال گفتار شوهر، به بخشی از زندگی روزمره‌ی زن تبدیل گردد.

امه‌چتا در ادامه نشان می‌دهد این فشارهای روزمره چگونه به حوزه‌ی "نقش‌های جنسیتی" و "مناسب‌سازی زن" نیز گسترش می‌یابند. فرانسیس از آدا می‌خواهد برای کار به کارخانه برود و آدا مقاومت می‌کند، زیرا کار کارخانه را نه صرفاً یک شغل، بلکه تهدیدی برای شأن و هویتی می‌بیند که با تحصیل و تلاش ساخته است. فرانسیس مدام آدا را تحت فشار می‌گذاشت که در کارخانه‌ی پیراهن کار بگیرد، اما آدا قبول نمی‌کرد (Emecheta 1974, 37). در اینجا، علاوه بر "هویت دسته‌ای"، مفهوم "هویت عملی" نیز اهمیت دارد: شبکه‌ای از انتظارهای روزمره که حدود کنش‌های "زن مهاجر" را تعریف می‌کند و مشخص می‌سازد چه نوع اشتغال و چه سبک زیستی برای او مشروع و پذیرفتنی به شمار می‌آید. نمونه روشن این هویت عملی در همان اصرار فرانسیس برای کارکردن آدا در کارخانه دیده می‌شود. از نگاه او، کار کارخانه نه یک انتخاب موقتی، بلکه شیوه «واقع‌بینانه» زندگی برای زن مهاجر در این موقعیت است؛ انتظاری که عملاً محدود آرزوها و مسیرهای پیشرفت آدا را از پیش تعیین می‌کند. در چنین وضعیتی، آنچه برای آدا مسئله‌ساز است فقط نوع شغل نیست، بلکه چارچوبی است که در آن آینده او از پیش در قالب کاریدی و معیشت حداقلی تصور می‌شود. این صحنه نشان می‌دهد که «هویت عملی» چگونه از خلال توصیه‌ها، فشارهای خانوادگی و تعریف‌های به‌ظاهر منطقی از زندگی، به‌تدریج به الگوی مسلط کنش تبدیل می‌شود و دامنه انتخاب‌های زن مهاجر را محدود می‌کند.

در چارچوب خوانش شناختی هوگان، همین تجربه‌های تکرار شونده‌اند که به‌تدریج به الگوهای پایدار شناختی و عاطفی تبدیل می‌شوند. وقتی مرزبندی‌ها مدام در گفت‌وگوها و رفتارهای روزمره تکرار می‌شوند، فرد کم‌کم پیش از هر تصمیم، "نگاه دیگران" را در ذهن خود شبیه‌سازی می‌کند و به هزینه‌ی اجتماعی انتخابش می‌اندیشد.

ازدواج، قدرت مردانه و فرسایش تدریجی آگاهی زنانه

ازدواج در شهروند درجه‌دو برای آدا نه نقطه‌ی ثبات و امنیت، بلکه مرحله‌ای تازه از فشار و محدودیت است. امه‌چه تا با پرهیز از تصویرسازی اغراق‌آمیز، نشان می‌دهد که چگونه زندگی زناشویی به فضایی تبدیل می‌شود که در آن منطق پدرسالارانه، به‌صورت روزمره و تدریجی عمل می‌کند. آنچه آدا در این رابطه تجربه می‌کند، نه یک سرکوب ناگهانی، بلکه فرسایشی آرام است؛ فرسایشی که از دل تصمیم‌های کوچک، گفتارهای به‌ظاهر عادی و توجیه‌های مکرر شکل می‌گیرد.

فرانسیس، به‌عنوان شوهر آدا، نقش واسطه‌ای میان فشارهای بیرونی و زندگی خصوصی ایفا می‌کند. او برچسب "شهروند درجه‌دو" را نه‌تنها به‌عنوان توصیفی از جایگاه نژادی خود، بلکه به‌مثابه معیاری برای تنظیم زندگی خانوادگی به کار می‌گیرد. وقتی فرانسیس به آدا یادآوری می‌کند که آن‌ها در انگلستان شهروند درجه‌دو محسوب می‌شوند، این جمله صرفاً بیان یک واقعیت اجتماعی نیست؛ بلکه به ابزاری برای محدودکردن انتظارها، آرزوها و اعتراض زن بدل می‌شود. (Emecheta 1974, 35) به این ترتیب، فشار اجتماعی از طریق گفتار شوهر وارد زندگی روزمره‌ی آدا می‌شود و شکل شخصی‌تری به خود می‌گیرد.

فرانسیس به او نگاه کرد، انگار تازه او را می‌دید. به یاد آورد که گفته بودند بزرگترین اشتباه یک مرد آفریقایی این است که زنی تحصیل‌کرده را به لندن ببرد، چون آن‌ها خیلی زود از حقوقشان باخبر می‌شوند. بر جامعه‌ی آن‌ها مردان حق داشتند هر وقت می‌خواستند با زنان دیگر بخوابند؛ زن‌ها در خانه اعتراض نمی‌کردند. اما حالا که شدت خشم آدا را می‌دید، فهمید که او واقعاً اهمیت می‌دهد. هیچ مردی دوست ندارد آزادی‌اش محدود شود، آن هم توسط یک زن-زن خودش.

(Emecheta 1974, 58)

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این فشار، کنترل اقتصادی و تصمیم‌گیری است. آدا با وجود تحصیل و توانمندی، بارها درمی‌یابد که اختیار او بر درآمد، زمان و حتی بدنش محدود است. تصمیم‌هایی که باید مشترک باشند، عملاً یک‌سویه گرفته می‌شوند و نقش آدا به اجرا یا سازگاری تقلیل می‌یابد. امه‌چه تا این وضعیت را بدون قضاوت صریح روایت می‌کند؛ اما تکرار چنین موقعیت‌هایی به‌روشنی نشان می‌دهد که چگونه ازدواج به سازوکاری برای تثبیت نابرابری بدل می‌شود.

در این چارچوب، مفهوم "هویت عملی" در نظریه‌ی پاتریک گلم هوگان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. آدا نه‌تنها بر اساس "آنچه هست"، بلکه بر اساس "آنچه باید باشد" قضاوت می‌شود: همسر سازگار، مادر مسئول، زنی که توقعاتش با واقعیت "شهروند درجه‌دو بودن" همخوانی داشته باشد. این انتظارهای نانوشته، رفتارهای روزمره‌ی آدا را شکل می‌دهند و دامنه‌ی انتخاب او را محدود می‌کنند. آنچه از بیرون شبیه سازگاری به نظر می‌رسد، در سطح درونی به فشار مداوم بدل می‌شود.

امه‌چه تا هم‌زمان نشان می‌دهد که آدا کاملاً منفعل نیست. مقاومت او نه در قالب شورش‌های بزرگ، بلکه در تصمیم‌های کوچک و پافشاری‌های خاموش شکل می‌گیرد: ادامه‌دادن تحصیل، اصرار بر کار فکری، و حفظ تصویری از خود که به نقش‌های تحمیلی فروکاسته نشود. با این حال، همین مقاومت‌های خرد نیز هزینه دارند. آدا

برای هر قدم رو به جلو، ناچار است بهای روانی بپردازد: خستگی، اضطراب و احساس دائمی تنهاماندن در تصمیم‌ها.

در زندگی زناشویی آدا، فشارهای درون‌جامعه‌ای و ساختار پدرسالارانه در هم تنیده‌اند. جامعه میزبان او را «دیگری» می‌سازد و ازدواج این جایگاه را طبیعی جلوه می‌دهد. در نتیجه، آدا به تدریج محدودیت‌ها را درونی می‌کند و یاد می‌گیرد سکوت، سازگاری و تعویق خواسته‌ها بخشی از بقا در نظام نابرابر است. در همین چارچوب، گایاتری چاکراورتی اسپوک با طرح پرسش مشهور خود «آیا فرودست می‌تواند سخن بگوید؟» توضیح می‌دهد زنانی که در تقاطع چندین ساختار سلطه قرار دارند—برای مثال زمانی که «فقیر، سیاه و زن» هستند—ستم را به چندین شیوه هم‌زمان تجربه می‌کنند و در چنین شرایطی حتی زمانی که می‌کوشند صدای خود را بیان کنند، این صدا اغلب در چارچوب‌های گفتمانی مسلط بازنمایی و محدود می‌شود؛ از این رو او هشدار می‌دهد که در بسیاری از موارد «زن فرودست همچنان خاموش باقی خواهد ماند» (Spivak 1994, 90). از منظر شناختی، تکرار احساس نادیده‌گرفته‌شدن و بی‌اختیاری، در او الگوهای عاطفی پایدار ایجاد می‌کند که تصمیم‌هایش را تحت تأثیر پیامدهای اجتماعی و عاطفی قرار می‌دهد. بدین ترتیب، آگاهی زنانه در دل ازدواج و تجربه‌ی زیسته‌ی نابرابری شکل می‌گیرد، نه از گسست، بلکه از مواجهه‌ی تدریجی با سلطه در نهایت، امه چنان‌که نشان می‌دهد ازدواج در شهروند درجه‌دو، میدان بازتولید قدرت و در عین حال بستر شکل‌گیری آگاهی است؛ جایی که رنج، مقاومت، و بازتعریف هویت زنانه، مسیر رشد درونی آدا را رقم می‌زنند.

بدن، مادری و فرسودگی روزمره: زیستن زنانه در زیر فشارهای انباشته

در شهروند درجه‌دو، فشارهایی که آدا در سطوح اجتماعی و روانی تجربه می‌کند، به تدریج به بدن او منتقل می‌شوند. امه‌چه تا نشان می‌دهد که بدن زن مهاجر صرفاً یک واقعیت زیستی نیست، بلکه به میدانی برای انباشت فشارهای اجتماعی، جنسیتی و اقتصادی بدل می‌شود. خستگی، بارداری‌های پی‌درپی، کار بی‌وقفه و مسئولیت مادری، همگی بخشی از تجربه‌ای هستند که در آن بدن آدا دیگر در اختیار خودش نیست، بلکه در خدمت بقا و پاسخ‌گویی به انتظارات دیگران قرار می‌گیرد. از منظر پاتریک کلم هوگان، این انتظارات اجتماعی که بدن آدا را در نقش‌های از پیش‌تعریف‌شده قرار می‌دهند، نمود مستقیم «هویت دسته‌ای» تحمیلی هستند؛ برچسب‌هایی چون «زن»، «مادر»، «همسر مهاجر» که بار احساسی و رفتاری مشخصی حمل می‌کنند و فرد را در چارچوب‌های جنسیتی و مهاجرتی تثبیت می‌کنند. (Hogan 2015, 335)

آدا در زندگی روزمره به‌قدرت فرصت می‌یابد به بدن خود بیندیشد. بارداری و مادری برای او نه تجربه‌ای انتخابی، بلکه چرخه‌ای فرساینده از کار، زایمان و مراقبت است که در کنار فشارهای اقتصادی و عاطفی بر دوش او سنگینی می‌کند. جامعه نیز از او انتظار دارد مادری «خوب» باشد و این نقش را در سکوت و بی‌اعتراض انجام دهد، به‌گونه‌ای که هر نشانه‌ای از خستگی به‌عنوان ضعف تعبیر می‌شود. در این میان، نبود مشارکت فرانسویس در

مسئولیت‌ها بر این فشار می‌افزاید و بدن آدا در ساختار پدرسالارانه به منبعی همواره در دسترس برای کار و مراقبت بدل می‌شود؛ وضعیتی که او را به تحملی خاموش وامی‌دارد. این نادیده‌گرفتن نیازهای شخصی و اجرای اجباری نقش‌های تحمیلی، نمونه‌ای از تنش میان هویت دسته‌ای و تلاش‌های محدود او برای ساختن هویتی عملی است که اغلب به دلیل جایگاه موقعیت‌مند او سرکوب می‌شود.

از منظر خوانش شناختی، تداوم این تجربه‌ها به شکل‌گیری الگویی پایدار از فرسودگی عاطفی و بدنی می‌انجامد. به تعبیر پاتریک گلم هوگان، وقتی یک وضعیت فشارزا بارها و بارها تکرار می‌شود، ذهن آن را به‌عنوان حالت عادی زیستن ثبت می‌کند. در نتیجه، خستگی دیگر یک وضعیت موقتی نیست، بلکه به بخشی از تجربه‌ی معمول آدا تبدیل می‌شود. او کم‌کم می‌آموزد که بدنش را نادیده بگیرد، درد را به تعویق بیندازد و نیازهای خود را در اولویت آخر قرار دهد.

امه‌چه تا این وضعیت را نه با اغراق، بلکه از خلال جزئیات روزمره نشان می‌دهد: کم‌خوابی، کار بی‌وقفه، مراقبت هم‌زمان از چند کودک، و تلاش برای حفظ حداقلی از ثبات در خانه. این جزئیات، تجربه‌ی زنانه را از سطح مفاهیم انتزاعی پایین می‌آورند و آن را به سطح زیست‌شده پیوند می‌زنند. بدن آدا به‌تدریج به سندی زنده از فشارهای انباشته تبدیل می‌شود؛ سندی که هم استعمار، هم پدرسالاری و هم فقر اقتصادی در آن نقش دارند.

با این حال، امه‌چه تا، بدن را فقط محل رنج نمی‌داند. همین بدن فرسوده، بستر نوعی آگاهی خاموش نیز می‌باشد. آدا از خلال تجربه‌ی خستگی و محدودیت، به درکی ملموس از نابرابری می‌رسد؛ درکی که نه از کتاب یا نظریه، بلکه از زیستن به دست می‌آید. او درمی‌یابد که فشارها فقط در سطح ذهن یا گفتار عمل نمی‌کنند، بلکه مستقیماً بر جسم و توان زیستن اثر می‌گذارند. این آگاهی بدنی، به‌تدریج نگاه او را به نقش‌ها و انتظارات تحمیل‌شده تغییر می‌دهد.

در نهایت، بخش قابل‌توجهی از آگاهی زنانه‌ی آدا در شهروند درجه‌ی او از همین تجربه‌ی بدنی سرچشمه می‌گیرد. مادری، خستگی و فرسودگی، اگرچه او را فرسوده می‌کنند، اما هم‌زمان به نقطه‌ای برای بازاندیشی بدل می‌شوند: بازاندیشی درباره‌ی این‌که چه کسی هزینه‌ی بقا را می‌پردازد و چه کسانی از آن بهره‌مند می‌شوند. از این منظر، بدن آدا نه‌فقط قربانی فشارهای اجتماعی، بلکه محل تلاقی تجربه، رنج و شکل‌گیری آگاهی است. بدین ترتیب، بدن به عرصه‌ای بدل می‌شود که در آن موقعیت‌مندی، حافظه عاطفی، هویت دسته‌ای و تلاش برای شکل‌دادن به هویت عملی به‌طور هم‌زمان عمل می‌کنند و آگاهی زنانه را به‌تدریج شکل می‌دهند. آگاهی‌ای که مسیر بخش بعدی مقاله یعنی مقاومت‌های کوچک و بازتعریف تدریجی هویت زنانه را هموار می‌سازد.

مقاومت‌های کوچک و شکل‌گیری آگاهی زنانه: چانه‌زنی روزمره با قدرت

امه‌چه تا در شهروند درجه‌ی او آگاهی زنانه را نه به صورت گسستی ناگهانی، بلکه به‌عنوان فرایندی تدریجی و زیسته ترسیم می‌کند. آدا در جهانی نابرابر درمی‌یابد که مقاومت همیشه به معنای شورش آشکار نیست؛ بلکه در تصمیم‌های کوچک، پافشاری‌های خاموش و انتخاب‌های روزمره شکل می‌گیرد. یکی از نمودهای این مقاومت،

اصرار او بر تحصیل و کار فکری است. در حالی که از زن مهاجر انتظار می‌رود به کار یدی، سازگاری بی‌اعتراض و اولویت‌دادن کامل به خانه تن دهد، آدا آموزش را راهی برای حفظ شأن فردی و استقلال ذهنی می‌بیند. این انتخاب واکنشی آگاهانه به تجربه تحقیر و محدودیت است؛ زیرا او می‌داند تحصیل شاید همه‌چیز را تغییر ندهد، اما می‌تواند مانعی در برابر فروکاستن کامل او به نقش‌های تحمیلی باشد.

مقاومت آدا همچنین در شیوهی مواجهه‌اش با زبان و معنا آشکار می‌شود. او به‌تدریج یاد می‌گیرد برچسب‌هایی مانند "شهروند درجه‌دو" را که در زندگی روزمره بارها به او یادآوری می‌شوند-نه به‌عنوان تعریف نهایی از خود، بلکه به‌عنوان نشانه‌هایی از ساختارهای ناعادلانه درک کند. این تغییر ظریف در نگاه، اهمیت زیادی دارد: آدا هنوز تحت تأثیر این برچسب‌هاست، اما دیگر آن‌ها را بی‌واسطه درونی نمی‌کند. به بیان دیگر، فاصله‌ای هرچند کوچک میان "آنچه درباره‌اش گفته می‌شود" و "آنچه خود می‌فهمد" شکل می‌گیرد.

در چارچوب خوانش شناختی پاتریک گلم هوگان، این فاصله‌گذاری نشانه‌ی تغییر در الگوهای شناختی است. تجربه‌های تکرار شونده‌ی فشار و فرسودگی، اگرچه می‌توانند به خودسانسوری بینجامند، اما هم‌زمان امکان بازتنظیم ادراک را نیز فراهم می‌کنند. آدا به‌تدریج می‌آموزد که همه‌ی انتظارات محیط الزاماً شایسته‌ی اطاعت نیستند و برخی از آن‌ها را می‌توان به‌تعمیق انداخت، نادیده گرفت یا به شیوه‌ای حداقلی اجرا کرد. این "چانه‌زنی روزمره" شکل غالب مقاومت در زندگی اوست.

نمونه‌ی دیگر این مقاومت‌های کوچک، تلاش آدا برای حفظ صدای شخصی و روایت خود از زندگی است. نوشتن و فکرکردن-حتی در شرایط خستگی و فشار-به او امکان می‌دهد تجربه‌هایش را معنا کند و از فروپاشی کامل در نقش‌های تحمیلی جلوگیری کند. ام‌چه تا نشان می‌دهد که برای آدا، بازگویی تجربه نه صرفاً تخلیه‌ی روانی، بلکه راهی برای بازپس‌گیری عاملیت است؛ عاملیتی که در زندگی روزمره بارها محدود شده است.

با این حال، رمان از رماتیک‌کردن این مقاومت‌ها پرهیز می‌کند. آدا نه همیشه موفق است و نه همیشه قوی. بسیاری از انتخاب‌های او موقت، شکننده و همراه با عقب‌نشینی‌اند. اما همین ناپایداری، تجربه‌ی زنانه‌ی او را واقعی‌تر می‌کند. مقاومت در شهروند درجه‌دو نه مسیری خطی، بلکه حرکتی رفت‌وبرگشتی است؛ گاه پیشروی، گاه سازش، و گاه خستگی. آنچه اهمیت دارد، استمرار این تلاش‌هاست.

در این چارچوب، آگاهی زنانه نه به‌عنوان دستاوردی نهایی، بلکه به‌مثابه فرایندی در حال شکل‌گیری فهمیده می‌شود. آدا به‌تدریج درمی‌یابد که می‌تواند هم در ساختارهای نابرابر زندگی کند و هم آن‌ها را به‌طور کامل نپذیرد. این آگاهی، ساده یا رهایی‌بخش نیست؛ بلکه محتاط، زخم‌خورده و در عین حال واقع‌گرایانه است. او یاد می‌گیرد کجا مقاومت کند، کجا سکوت را به‌عنوان تاکتیک به کار بگیرد و کجا هزینه‌ی ایستادگی را بپردازد.

در نهایت، ام‌چه تا نشان می‌دهد که شکل‌گیری آگاهی زنانه در شهروند درجه‌دو حاصل انباشت همین مقاومت‌های خرد است. آدا نه با یک تصمیم بزرگ، بلکه با مجموعه‌ای از انتخاب‌های روزمره-تحصیل، نوشتن، فکرکردن و نپذیرفتن کامل نقش‌های تحمیلی-به درکی تازه از خود و جهان پیرامون می‌رسد. این آگاهی، اگرچه او

را از تمام فشارها رها نمی‌کند، اما امکان بازتعریف هویت را فراهم می‌آورد؛ هویتی که دیگر صرفاً واکنشی به سلطه نیست، بلکه نتیجه‌ی زیستن، تجربه‌کردن و چانه‌زدن مداوم با شرایط است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با تمرکز بر رمان شهروند در جهدو اثر بوچی امچه‌تا نشان می‌دهد که تجربه‌ی زیسته‌ی آدا را نمی‌توان صرفاً در چارچوب تقابل‌های دوگانه‌ای چون استعمارگر/استعمار شده یا در سطح ستم نژادی بیرونی تبیین کرد. هرچند ساختارهای استعمار و نژادپرستی در شکل‌دهی به موقعیت اجتماعی او نقشی تعیین‌کننده دارند، بخش قابل‌توجهی از رنج زنانه در سطوح خردتر و روزمره شکل می‌گیرد؛ سطوحی که در آن فشار از خلال خانواده، روابط زناشویی و مناسبات درون‌جامعه‌ای اعمال می‌شود و اغلب در قالب کنش‌ها و الگوهای به‌ظاهر عادی و تکرار شونده بازتولید می‌گردد.

تحلیل تجربه‌ی آدا نشان می‌دهد که سلطه صرفاً در عرصه‌ی ساختارهای کلان سیاسی و تاریخی عمل نمی‌کند، بلکه در لایه‌های ظریف و نامرئی‌تر زندگی روزمره نیز حضور دارد؛ در نگاه‌ها، داورها، انتظارات جنسیتی و مرزبندی‌های اجتماعی‌ای که به‌تدریج طبیعی‌سازی می‌شوند و به بخشی از تجربه‌ی عادی زیستن بدل می‌گردند. در چنین بستری، زن نه تنها با قدرتی بیرونی، بلکه با شبکه‌ای از روابط نزدیک و «خودی» مواجه است؛ شبکه‌ای که در آن منطق استعمار و پدرسالاری می‌تواند درونی شود و خود را در اشکال گوناگون بازتولید کند.

نوآوری اصلی این پژوهش در پیوند دادن نقد پسااستعماری با رویکرد شناختی نهفته است. با بهره‌گیری از مفاهیمی چون «هویت دسته‌ای»، «هویت عملی»، «حافظه‌ی عاطفی» و «موقعیت‌مندی» در نظریه‌ی پاتریک گلم هوگان، نشان داده شده است که سازوکارهای سلطه در رمان تنها از طریق ساختارهای اجتماعی کلان عمل نمی‌کنند، بلکه از خلال الگوهای شناختی و عاطفی شخصیت‌ها درونی می‌شوند. این چارچوب تحلیلی امکان آن را فراهم می‌کند که تجربه‌ی شخصیت پسااستعماری نه صرفاً به‌مثابه پدیده‌ای اجتماعی یا گفتمانی، بلکه به‌عنوان فرایندی ذهنی، عاطفی و تدریجی فهم شود؛ فرایندی که در آن برجسب‌های اجتماعی، خاطرات دردناک و انتظارات فرهنگی در ادراک فرد رسوب می‌کنند و واکنش‌های او را سامان می‌دهند.

از این منظر، شهروند در جهدو نشان می‌دهد که آگاهی زنانه نه حاصل لحظه‌ای ناگهانی از رهایی، بلکه برآیند انباشت تجربه‌های روزمره، فرسودگی‌های تدریجی و مقاومت‌های خرد است. آدا از خلال همین تجربه‌ها می‌آموزد چگونه در دل ساختارهای نابرابر زیست کند و در عین حال فاصله‌ی انتقادی با آن‌ها برقرار سازد. بدین‌سان، آگاهی زنانه در این رمان به‌صورت فرایندی پویا از بازشناسی، بازاندیشی و بازتعریف هویت شکل می‌گیرد، نه به‌عنوان امری ایستا یا نهایی.

بر این اساس، مقاله حاضر پیشنهاد می‌کند که رویکرد «پسااستعماری شناختی» می‌تواند چشم‌اندازی تازه در مطالعات ادبی پسااستعماری بگشاید. چنین رویکردی امکان تحلیل دقیق‌تر سازوکارهای درونی‌شدن سلطه، شکل‌گیری آگاهی و تجربه‌ی عاطفی شخصیت‌ها را فراهم می‌سازد و ظرفیت آن را دارد که در خوانش دیگر متون ادبی پسااستعماری نیز به کار گرفته شود. از این منظر، مطالعه‌ی ادبیات پسااستعماری تنها به بررسی ساختارهای قدرت و مناسبات سلطه محدود نمی‌ماند، بلکه به فهم نحوه‌ی رسوب و زیسته‌شدن این ساختارها در ساحت ذهنی و عاطفی سوژه‌ها نیز می‌انجامد. بدین‌ترتیب، ادبیات پسااستعماری

نه فقط عرصه‌ای برای بازنمایی تاریخ و سیاست، بلکه فضایی برای آشکار شدن تجربه‌های درونی، حافظه‌های عاطفی و فرآیندهای شکل‌گیری آگاهی در زندگی روزمره شخصیت‌ها نیز تلقی می‌شود.

Pre-print Version

Beyond External Colonialism: Intra-Societal Tensions and Female Consciousness in Buchi Emecheta's *Second-Class Citizen*

Yalda Mansouri¹, Zahra Bordbari^{2*}, Negar Sharif³

¹ PhD. Candidate in English Literature, Department of English Language, Faculty of Foreign Languages, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran, email: Yalda.mansouri6320@iaui.ac.ir, <https://orcid.org/0009-0003-1922-1954>

² (Corresponding author) Assistant Professor, PhD. in English Literature, Department of English Language, Faculty of Foreign Languages, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran, email: bordbari@riau.ac.ir, <https://orcid.org/0000-0002-3507-2413>

³ Assistant Professor, PhD. in English Literature, Department of English Language, Faculty of Foreign Languages, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran, email: neg.sharif@iaui.ac.ir, <https://orcid.org/0000-0001-9983-6737>

Abstract

Introduction: Buchi Emecheta's novel *Second-Class Citizen* has been interpreted through the lenses of racial discrimination, migration, and the colonial relationship between the colonizer and the colonized. While these perspectives are essential for understanding the broader historical context of the novel, an exclusive focus on external oppression risks overlooking the complex intra-communal dynamics that shape the lived experiences of its female protagonist, Adah. This study aims to move beyond the framework of external colonial domination by examining how everyday interactions within family structures, marital relationships, and intra-community networks reproduce forms of gendered inequality. Drawing on a cognitive postcolonial approach, the article explores how social expectations, emotional responses, and internalized social categories influence the formation of Adah's subjectivity and her gradual development of female consciousness.

Background of the Study:

Scholarship on Buchi Emecheta's *Second-Class Citizen* often highlights Adah's experiences with racism and economic hardship in Britain, focusing on external structural

inequalities. Authors like Marie Umeh and M.J. Daymond suggest these analyses can sometimes overlook the significant intra-communal patriarchal pressures that shape Adah's life. Nancy Topping Bazin and Gomatam Mohana Charyulu also present the complexities of navigating societal expectations within the community. Emecheta illustrates how oppression mirrors through mechanisms of moral judgment and social surveillance, a perspective explored by Donna Haraway. However, while all these reseraches focus on social and structural dimensions of Adah's struggles, they pay less attention to the emotional and psychological aspects through which such pressures are internalized in her everyday life. The gradual accumulation of feelings such as exhaustion, shame, and emotional strain—produced through constant negotiation with family, community, and social expectations—remains relatively underexplored. The protagonist's journey through childhood discrimination, marital struggles, motherhood, and professional challenges, as examined by researchers such as Bahmanpour, Nejadmohammad & Jabbari Khameneh, and Lennard J. Davis, highlights how deep and effective society's beliefs about gender roles are. Emecheta complicates simple binaries of oppressor and oppressed, offering a portrayal of postcolonial female experience as a layered process of simultaneous domination and resistance. This study builds on existing scholarship by shifting attention to the internal, lived experience of social pressure in *Second-Class Citizen*. By focusing on Patrick Colm Hogan's cognitive–postcolonial framework, it shows how Adah's emotional life, memory, and sense of self is developed in response to these pressures.

Methodology:

This essay will use Patrick Colm Hogan's cognitive approach to postcolonial literature, focusing on categorical identity, practical identity, Emotional Memory and Situatedness to have a close reading of selected scenes from *Second-Class Citizen*. Hogan defines practical identity by an individual's habits, skills, and competencies in everyday interactions, alongside expected social responses (Hogan 2000, 322). Categorical identity, involves minimal, socially imposed labels like race or nationality (Hogan 2015, 335). Hogan argues that group divisions arise from categorical, not practical, identity differences, leading to discrimination (Hogan 2015, 335). While our practical identity is unique to us, our categorical identities can feel pretty arbitrary. Hogan points out that we can understand

our personal identities through how our minds work, which helps us question cultural pressures without feeling forced into specific traditions (Hogan 2015, 336). In addition, Hogan's concept of emotional memory helps explain how earlier experiences with strong feelings continue to influence how people respond in the present. According to Hogan, emotional memory is a form of implicit memory through which emotions connected to past events can be reactivated, even when the individual does not consciously recall the original experience (Hogan 2011, 51). Hogan also emphasizes the situated nature of cognition, noting that "minds are not only embodied, but also 'situated.'" Humans, he explains, think and act in concrete conditions, and understanding human action at any moment requires attention to both psychological preconditions and material circumstances (Hogan 2015, 351). This study will analyze how Adah's choices are limited by routine interactions activating these identity concepts, showing consciousness emerging through ongoing negotiation with social pressure.

Conclusion:

The analysis shows that Adah's marginalization cannot be adequately understood through racial discrimination alone. Emecheta demonstrates how patriarchal authority, marital power relations, and intra-community hierarchies reproduce inequality at the level of everyday life where pressures are mostly exercised through ordinary expectations, family obligations, and the normalization of gender roles. Female consciousness in *Second-Class Citizen* is portrayed not as a moment of dramatic liberation but as a slow and costly process shaped by lived experience, emotional endurance, and small acts of resistance. Adah's persistence in education and writing exemplifies forms of everyday resistance that challenge imposed identities without denying the material constraints of her situation suggesting that resistance in Emecheta's narrative often emerges in modest, persistent actions rather than in overt rebellion. Ultimately, a cognitive postcolonial reading of Emecheta's novel highlights the importance of attending to emotions, bodily experience, and daily social interaction in the study of postcolonial women's lives by drawing on Patrick Colm Hogan's concepts of "Practical Identity"; "Categorical Identity"; "Emotional Memory" and "Situatedness" . this study shows how systems of domination are not only maintained through visible social structures but also internalized through emotional and

cognitive patterns that shape how characters understand themselves and their place in the world. This approach offers a more human-centered understanding of power, revealing how domination and resistance are negotiated within the ordinary spaces of family and community and how memories, emotions, and everyday experiences gradually influence the formation of female consciousness, and opens new directions for postcolonial and feminist literary studies by suggesting that future research may benefit from paying closer attention to the emotional and cognitive dimensions of postcolonial experience, alongside its social and historical contexts.

Keywords:

Cognitive Narratology; Cognitive Postcolonialism; Practical Identity; Categorical Identity; Emotional Memory; Situatedness; *Second-Class Citizen*

Pre-print Version

References:

- Bhabha, Homi K. *The Location of Culture*. London and New York: Routledge, 1994.
- Bahmanpour, Bahareh. 2025, "The Dead Mother Metaphor: Unravelling the Maternal Enigma in Jean Rhys' Wide Sargasso Sea" *Critical Language and Literary Studies (CLLS)* 22, no. 35 (Fall and Winter 2025): 64–72. <https://doi.org/10.48308/clls.2025.239700.1342>.
- Bazin, Nancy Topping. 1986. "Feminist Perspectives in African Fiction: Bessie Head and Buchi Emecheta." *Black Scholar*, vol. 17, no. 2.
- Charyulu, Gomatam Mohana. 2016. "Women and Motherhood: A Study on Buchi Emecheta's *Second Class Citizen*." *Journal of The English Literator Society*, vol. 1, no. 4, 30 June, 2016, 296-300. ISSN 245539X.
- Davis, Lennard J. 2025. "The Problem of Representing the Poor." *Critical Language and Literary Studies (CLLS)* 22, no. 35, Fall and Winter.
- Daymond, M.J. 1988. "Buchi Emecheta, Laughter and Silence: Changes in the Concepts 'Woman', 'Wife' and 'Mother'." *Journal of Literary Studies* (March).
- de Beauvoir, Simone. 2011. *The Second Sex*. Translated by Constance Borde and Sheila Malovany-Chevallier. New York: Vintage.
- Emecheta, Buchi. 1974. *Second-Class Citizen*. London: Allison & Busby.
- Fanon, Frantz. 1986. *Black Skin, White Masks*. Translated by Charles Lam Markmann. London: Pluto Press.
- Haraway, Donna. 1988. "Reading Buchi Emecheta: Contests for Women's Experience in Women's Studies." *Inscriptions* 3/4.
- Hogan, Patrick Colm. 2003. *The Mind and Its Stories: Narrative Universals and Human Emotion*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hogan, Patrick Colm. 2015. *The Psychology of Colonialism and Postcolonialism: Cognitive Approaches of Identity and Empathy*. The Oxford of Cognitive Literary Studies, Lisa Zunshine. Oxford University Press.
- Hogan, Patrick Colm. 2000. *Colonialism and Cultural Identity*, State University of New York Press.
- Hogan, Patrick Colm. *What Literature Teaches Us about Emotion*. New York: Cambridge University Press, 2011.
- Keen, Suzanne. *Empathy and the Novel*. Oxford: Oxford University Press, 2007.

Nejadmohammad, Vahid, and Ali Jabbari Khameneh. 2025. "The Role of Voluntary and Involuntary Memory in the Formation of Identity in Patrick Modiano's Novel 'Rue des Boutiques Obscures'." *Critical Language and Literary Studies (CLLS)* 22, no. 35 .Fall and Winter. <https://doi.org/10.48308/clls.2025.238190.1286>.

Ogbuehi, Mary Rose-Claret. "The Struggle for Women Empowerment Through Education in the Novels *Second Class Citizen* (1974) by Buchi Emecheta and *Das verborgene Wort* (2001) by Ulla Hahn." PhD diss., Rheinische Friedrich-Wilhelms-Universität zu Bonn, 2020

Spivak, Gayatri Chakravorty. "Can the Subaltern Speak?" In *Colonial Discourse and Post-Colonial Theory: A Reader*, edited by Patrick Williams and Laura Chrisman, 66–111. New York: Columbia University Press, 1994.

Umeh, Marie. 1980. "African Women in Transition in the Novels of Buchi Emecheta. " *Présence Africaine*, no. 116.

Pre-print Version